

APAGA

Quarterly

آگَا
فصلنامه

Հայ-իրանական մշակութային եւ հասարակական եռամսյա հանդես
An International Journal of Oriental Studies



ISSN 1682-5438

شماره ۵۴ تابستان (شهریور) ۱۳۹۲

No. 54, September 2013

آپاگا فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی

شماره ۵۴ تابستان ۱۳۹۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت www.apagaonline.com و www.apagamonthly.4t.com

apaga98@hotmail.com

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

فهرست

فارسی

خلیج فارس و دگرگونی نام آن

ترور جمال پاشا

ارمنی

انگلیسی -

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.
نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.
مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.
استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

«خلیج فارس» و دگرگونی نام آن

نوشته: ریچارد فرای

ترجمه: ادیک باغداساریان

پس از سقوط دودمان پهلوی، نام شهرها و خیابان‌ها دچار دگرگونی‌هایی شد، لیکن این دگرگونی شامل حال رودها، کوه‌ها و دیگر جاها نگردد. با اینحال، در گذشته چنین دگرگونی‌های جغرافیایی روی داده است. این مقاله در نظر دارد به تغییر و تحولاتی بپردازد که در زمان تحول تاریخی ایران از دوران شاهنشاهی ساسانی به دوران اسلامی بوقوع پیوسته‌اند.

معمولا نام رودها، خلیج‌ها و دیگر مقولات فیزیکی کاملا ثابت هستند با این حال در همین دوران تحولی برخی مکان‌های جغرافیایی به چند نام نامزد شده‌اند. نخست به این امر باید اشاره کرد که تازیان نام «خلیج عربی» را برای «خلیج فارس» بکار می‌برند. پیش از دوران هخامنشی و یا حتی خیلی پیش تر از آن، سخن گویان به زبان اکدی و در دوران بعدی آشوریان، آن را «خلیج پست» یا «دریای پست» نامیده‌اند. احتمالا گاهی هم نام «دریای بزرگ خورشید طلوع کرده» را داشته است لیکن حتی در زمان کورش بزرگ اساسا «خلیج پست» به آن اطلاق می‌شد. گسترش اسکان اقوام پارسی در آن نواحی که نام آنها را بر خود داشت (فارس کنونی) باید باعث دگرگونی‌هایی در نامهای جغرافیایی شده باشد، زیرا نام «دریای پست» با واقعیت برابری نمی‌کرد. این امر برای ساکنان بابل که در شرق قرار داشت قابل درک بود. متاسفانه تا آنجا که برای ما آشکار است نه الواح ایلامی تحت جمشید و نه سنگ نبشته‌های پارسی از این خلیج یاد نکرده‌اند و ما تنها از مولفان پس از اسکندر مقدونی از آن آگاهی می‌یابیم. **هرودوت** (۲-۱۰۲، II) تنها از خلیج عربی یا سوئز یاد می‌کند و نه «خلیج فارس». در این جا باید خاطر نشان شد که

پس از سفر **نئاگوس** فرمانده نیروی دریایی اسکندر مقدونی، آگاهی می یابیم که هم دریای سرخ و هم خلیج فارس به آن اقیانوس بزرگی مرتبط بودند که یونانیان به آن نام دریای اریتره («سرخ») اطلاق می کردند. و گهگاه هر دو خلیج نام خود را از اقیانوس اخذ می کردند. بدین سان «خلیج فارس» نزد **اراتوستنس** بچشم می خورد که **استرابن** یاد کرده است (XVI, C. ۷۶۵). علی رغم این که استرابن در جایی دیگر آن را «دریای پارس» می نامد این نام تا زمان ما پیوسته باقی مانده است که می توان آن را بصورت **Colfo Persico** نزد **بطلمیوس** (VI, ۴)، «تاریخ اسکندر» نوشته **آریانوس**، (۵ VI, و نزد **راونای جغرافیدان** (V, ۱۷)، در جاهای دیگر تایورش تازبان یافت.

بر خلاف مطلب فوق، نام «خلیج عربی» به «خلیج سوئز» یا «دریای سرخ» مربوط می شده است (استرابن VII, ۷۵۹، ۷۶۷ و غیره) منابع دیگر چون «جهان نما» (**آشخاراتسوئیس**) که به **موسس خورناتسی** منتسب بود (اکنون ثابت شده است که به قلم **آنانیا شیراکاتسی** تعلق دارد)، همچنین تاریخ آشوری **بارهرئوس** (منتسب به بارهرئوس) نام «خلیج فارس» را بکار برده اند. تنها در جغرافیای آشوری **بارهرئوس** دروغین (منتسب به بارهرئوس) به آن «دریای ایلامیان» اطلاق شده است.

در دوره اسلامی، می توان اذعان کرد که همین سنت ادامه یافت و همه جغرافیدانان پارسی و تازی نام «بحر الفارسی» یا «خلیج فارس» (دریای پارس یا خلیج فارس) را بکار برده اند. تنها **مقدسی** (۸-۴۱۹) آن را «دریای چین» (بحر الصین) نامیده است، در حالی که **مسعودی** در «کتاب التنبیه» خود (۳-۵۱) خلیج را بخشی از «دریای حبشه» می داند. از نظر تاریخی این نامگذاری مبرهن و حتمی می نمود اگر کشف جدید دانشمند عراقی یعنی «خلیج عربستان» روی نمی داد لیکن مسئله توسط یک متن دیگر یعنی «شهرستان های ایران» پیچیده تر می گردد زیرا در آن لفظ «واری تاجیکان» بکار رفته است که دریاچه عرب ها ترجمه می شود (سخن در باره خلیج فارس است).

اواخر دوران ساسانی یا اوایل دوره اسلامی، همانگونه که همه متفق القول هستند این متن پهلوی نگاشته شده و لفظ «واری تاجیکان» می توانست به معنی «دریاچه عرب ها» یا «منطقه بسته تازیان» باشد در حالی که می توان بگونه های دیگر نیز آن را استنباط نمود. این واژه مرکب باید به معنی یک منطقه جغرافیایی باشد که ما در متون پهلوی یافته ایم. اگر نام خلیج فارس در ادبیات پهلوی یافت می شود، پس باید از شیوه نامگذاری اوستایی سرچشمه گرفته باشد. برای نمونه در «مینوی خرد» متن پهلوی سده های میانه (۱۴-۴۴) به این عبارت بر می خوریم «آب از اقیانوس پوتیک به دریای وارکاش باز می گردد».

بعدها اقیانوس پوتیک بصورت اقیانوس هند و اما «وئوراگاشا»ی اوستایی بصورت «خلیج فارس» تفسیر شده است. با این حال این امر کمکی به حل مسئله مورد بحث نمی کند. بنابر این ما مجبوریم به دو قطعه ای اشاره کنیم که در اول (#۲۵) نوشته شده که شاپور پسر اردشیر شاهزاده ای بنام **مهورزاد** را به «مرزبانی»، «هرا» بالاتر از «وار عرب ها» منصوب می کند، از آنجا که واژه «وار» در آغاز به معنی «منطقه بسته» بوده است پس ما باید تصمیم بگیریم که سخن در باره خشکی است یا دریا. در بخش اول از قطعه های یاد شده «هرا» خشکی است، اما «حجر» اگر همان «الحجر» سواحل عربی خلیج فارس باشد به مفهوم «دریا» دلالت می کند، اگر چه حجر با «الحفوف» که دور از سواحل یاد شده واقع است، همسان گردیده است.

ما «دیوار عرب ها» را برای استنباط «هرا» و نیز «حجر» پیشنهاد کرده ایم. با این فرضی که سیستم استحکامات ساسانی از «هرا» تا «حجر» حتی تا مناطق دورتر امتداد داشت. اگر قطعات یاد شده را از نظر جغرافیایی بررسی کنیم، باید بگوییم که اردشیر مرزبانی برای خلیج فارس منصوب کرده بود، که مرکزش «حجر» بود و فرزند او شاپور محل او را به «هرا» تغییر داد. استحکامات مدت ها پس از حکومت اردشیر و پسرش

شاپور بنا شده است. اگر واژه «وار» را «دریاچه» یا «حوضچه» تفسیر کنیم پارسیان برخلاف دیگر منابع خلیج را «عربی» نامیده اند.

نظر بر این است که ساکنان یک منطقه، دریا یا آبهایی که آنها را از کشورهای دیگر مجزا می سازد به نام آن ملت یا کشور نامزد می کنند که کشتی های آنها در جهت آنها قرار دارند، لیکن «کانال انگلیس» یا «دریای ایرلند» با این تفسیر مصداق نمی یابند. آیا پارسیان خلیج را در تمام دوران پیش از اسلام «عربی» می نامیدند یا ساسانیان نام آن را تغییر دادند؟ گزینه دوم کمتر محتمل است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که پارسیان نام «خلیج تازیان» را همواره بکار می بردند و این ساسانیان نبودند که نام را تغییر دادند. بلکه عرب ها بودند که پس از فتوحات خود چنین تغییر داده اند.

لیکن در دوران اسلامی است که نام «خلیج فارس» را چه در منابع پارسی و چه منابع عربی می بینیم. بنابراین ما در یک تنگنا و بن بست قرار می گیریم که آسان ترین راه برای خروج از آن قبول این فرضیه است که «واری تاجیکان» یاد شده در متون پهلوی به معنی «منطقه عربی» یا «منطقه بسته» است تا «دریاچه» یا «دریا».

از سوی دیگر باید فرض کنیم که با پذیرش فرضیه فوق، باید از واژه، «وار» «منطقه بسته» استنباط کرد و نه «دریاچه»، «دماغه» و غیره. با پذیرش مطالب یاد شده باید قطعات فوق را چنین تعبیر کرد: «شهر هرا توسط شاپور پسر اردشیر بنا شده است، و هم او **میرزا داهل هرا** را مرزبان استحکامات عربان گردانید». و دوم آنکه «شهر آشور، شهر وه-اردشیر است که توسط اردشیر فرزند اسپندیار ساخته شده ...».

سر انجام، اگر «واری تاجیکان» نامگذاری خلیج فارس توسط ساسانیان بود، این امر در «جهان نما» (آشخاراتسویس) ارمنی نیز باید منعکس می گردید، جایی که لفظ «خلیج فارس» قید شده است. علی رغم آنکه نمی توان ثابت نمود اما بنظر می رسد که لفظ «واری تاجیکان» معادل «دشت تاجیکان» باشد. بنابراین هیچ دلیلی ندارد که فکر کنیم خلیج فارس نام دیگری داشته است.